

پژوهشی فقهی در مبانی سالم‌سازی محیط زیست

محمدحسین عصمتی^۱

مصطفی رنجبر^۲

چکیده

سلامت محیط زیست یکی از مباحث چالشی در دنیای امروز است. پیرامون این مسئله از ابعاد مختلف بحث و گفت‌وگو شده است. در این مقاله آن را از دیدگاه فقه بررسی می‌کنیم. در مرحله اول مفهوم و سپس اصول و قواعد عمومی فقه در رابطه با محیط زیست مطرح شده و چگونگی بهره‌برداری از قواعد فقهی در مسائل مستحدثه‌ای چون «سلامت محیط زیست» روشن گشته است. در ادامه به بسیاری از نعمت‌هایی که خداوند به انسان ارزانی داشته و آدمیان آن‌ها را نابود کرده‌اند، و یا در حال تباهی آن‌ها هستند، اشاره شده و آیات قرآن کریم و سخنان ائمه معصومین (ع) و گفته‌های بزرگان درباره حرمت آلوده‌ساختن و از میان بردن پدیده‌های زیست‌محیطی یادآوری شده است.

کلیدواژه

فقه، محیط زیست، هوا، آب، خاک، سلامت، بیماری‌ها، آلودگی.

۱. فارغ‌التحصیل فقه و اصول، مدرسه علمیه عالی نواب، مشهد مقدس.

۲. فارغ‌التحصیل فقه و اصول، مدرسه علمیه عالی نواب، مشهد مقدس.

مقدمه

فقه محیط زیست شامل بایدها و نبایدهای دینی در خصوص محیط زیست می‌باشد. در این موضوع نخست باید داده‌های فقهی را درباره‌ی عناصر تشکیل‌دهنده محیط زیست و محورهای زندگی بیان کرد و عناصری چون آب، خاک، هوا، درختان، گیاهان و حیوانات را شناخت. سپس احکام و قوانینی را که برای سلامت زیست‌بوم و جلوگیری از تخریب یا آلوده‌ساختن آن رسیده است را بررسی و تبیین کرد.

برای محیط زیست تعاریف مختلفی بیان شده است (ممدوح حامد عطیه، ۱۳۸۱، ص ۸) که ما به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

محیط زیست عبارت است از همه چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند و روی آن‌ها تأثیر می‌گذاریم و آن‌ها نیز ما را متأثر می‌سازند. (حکیمی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۳۴)

محیط زیست، سالم‌سازی و آلودگی

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در بحث محیط زیست مطرح است بحث سلامت و آلودگی محیط زیست می‌باشد. اسلام به سلامت و بهداشت فرد و اجتماع و محیط، بسیار سفارش کرده و آن را از نشانه‌های ایمان می‌داند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «التَّطَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۲۹۱)

در بسیاری از ابواب فقه، اهتمام اسلام به بهداشت و سلامت را مشاهده می‌کنیم؛ چنان‌که در بحث طهارت (غسل، وضو، تیمم، احکام آب‌ها و...)، صلاة، (پاکیزگی بدن و لباس و مکان نمازگزار از نجاست و...)، حج (طهارت لباس احرام و...) و غیره آمده است.

در مقابل سلامتی محیط زیست، طرف مقابل آن یعنی آلودگی محیط زیست مطرح می‌شود و آلودگی محیط زیست^۲ عبارت است از: هر گونه تغییر در ویژگی‌های اجزای متشکله محیط به‌طوری‌که استفاده پیشین از آن‌ها ناممکن گردد، و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به‌مخاطره اندازد. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۶، ص ۴۲)

آلودگی محیط زیست گرچه در ابتدای امر، مشکل اقلیمی و منطقه‌ای به‌نظر می‌رسید ولی اکنون به مشکل بزرگ جهانی که حیات بشر را به‌خطر انداخته است، تبدیل شده است.

۱. یعنی نظافت و پاکیزگی از نشانه‌های ایمان می‌باشد.

۲. آلودگی دو گونه است: گاهی آلودگی معنوی است و گاهی مادی. اما آنچه در اینجا مد نظر ما می‌باشد، آلودگی مادی است که طبق یک تعریف عبارت است از: آلوده‌شدن به هر چیزی که غیر از عناصر تشکیل‌دهنده مواد طبیعی باشد، خواه مطلوب و یا نامطلوب و یا برخی مطلوب و برخی نامطلوب باشد.

کاربرد قواعد فقهی در پیرامون محیط زیست

ممکن است این مطلب به ذهن‌ها خطور کند که در صدر اسلام مشکلی به عنوان حفاظت از محیط زیست وجود نداشته که بخواهیم مثلاً بحث فقهی از آن مطرح کرده و راه حل آن را ارائه نماییم. در پاسخ باید گفت: از آنجا که «فقه، تئوری واقعی اداره زندگانی انسان و اجتماع از گهواره تا گور است»، (موسوی خمینی، ۱۳۶۷، ج ۹۸) لازم نیست، بلکه ممکن هم نیست که یک مکتب برای تمام جزئیات و فروعاتی که بعدها حاصل می شود پیشاپیش، دستورالعمل به خصوص داشته باشد بلکه فقه‌های اندیشمند با جمع‌آوری اصول کلی و بسط آن‌ها به پاسخ‌گویی از سؤالات و نیازهای مردم پرداخته‌اند. بر همین اساس در مقوله سلامت محیط زیست نیز کلیات و قواعد معتبری وجود دارد که وظیفه مسلمانان و حکومت اسلامی را به خوبی مشخص می کند. در ادامه به برخی از این قوائد که در بحث محیط زیست کاربرد دارند، می پردازیم.

قاعده لاضرر

مهم‌ترین قاعده‌ای که در تعامل با محیط زیست و به عنوان اصل مهمی در روابط اجتماعی قابل استناد است، قاعده «لاضرر» می باشد. طبق این حدیث، ضرر زدن به خود و دیگران از لحاظ شرعی جایز نیست. و هر چیزی که سبب ضرر و زیان بر شخص یا جامعه شود نفی می شود. بنابراین بسیاری از مسائل زیست محیطی را می توان در قالب قاعده لاضرر مورد بحث قرار داد. مانند: ریختن زباله‌ها در کوچه، خیابان، باغ، جنگل، رودخانه، دریا و... بهره‌برداری غیرمجاز از جنگل‌ها و حریم دریاها، اشغال خیابان و پیاده‌رو توسط فروشندگان و دیگران، استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه‌های غیراستاندارد، ایجاد آلودگی صوتی به وسیله بوق زدن بی جای اتومبیل‌ها و سروصدای غیرطبیعی خودروها و حتی صدای بلندگوهای مساجد و هیئت‌های مذهبی و... (عمیق، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸)

قاعده اتلاف

از جمله قواعد مرتبط با مباحث محیط زیست که در مباحث ضمان قهری مورد توجه فقه‌هاست، قاعده «اتلاف» می باشد. برخی از فقها مثل حضرت امام (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۶۵) «قاعده اتلاف» را قاعده‌ای عقلایی می دانند. بدین بیان که در زندگی خردمندان این نکته مسلم است که هر کس ضرر و زانی بر کسی وارد نماید به نحوی که منجر به اتلاف و از بین رفتن مال او شود، ذمه وی در قبال مالک مشغول شده و او را ضامن پرداخت خسارت می شناسند. حضرت امام (ره)، مفهوم قاعده را به معنای اتلاف متعارف، محدود ندانسته بلکه به سایر مواردی هم که مورد توجه عقلاست تسری داده است. استفاده از این قاعده در مباحث محیط زیست مبنی بر ثابت دانستن اموری است که می باید توسط پژوهشگران مورد تفحص بیشتر قرار گیرد. (دولت

اسلامی و مسئولیت آن در حفاظت از محیط زیست، ص ۱۹) مثل اینکه:

آنچه در محیط زیست است را متعلق به عموم و مال محسوب نماییم، هر گونه زیان به محیط زیست مثل آلودگی محیط زیست و یا استفاده نابه‌جا یا مصرفانه از محیط طبیعی را زیان تلقی نماییم و... .

با توجه به اینکه مواهب طبیعی و ثروت‌های عظیم محیط زیست مال تمام افراد و جوامع نسل‌های آینده می‌باشد پس باید در استفاده صحیح از این موهبت‌های خدادادی دقت فراوانی داشته باشیم تا سبب افساد یا اتلاف آن‌ها نشویم که در هر صورت ضامن خواهیم بود و باید در روز واپسین جوابگوی بسیاری از انسان‌ها و حتی دیگر موجودات باشیم.

قاعده تسبیب

از جمله قواعد مهمی که می‌توان در این زمینه مورد استناد قرار داد، قاعده تسبیب است. موضوع قاعده اتلاف چنان که گذشت عبارت است از اینکه عمل شخصی به‌طور مستقیم موجب از بین رفتن مال دیگری شود، اما اگر کسی کاری کند که به‌طور غیرمستقیم و با واسطه منجر به تلف مال غیر شود، به‌گونه‌ای که اگر این کار را نمی‌کرد، آن مال تلف نمی‌شد، «اتلاف بالتسبیب» است که موضوع قاعده «تسبیب» می‌باشد. (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۶۴) طبق این قاعده، دولت اسلامی می‌تواند کسانی را که موجب ورود ضرر و زیان بر محیط زیست می‌شوند و به هر طریق آلودگی و تخریبی در محیط متعلق به عموم ایجاد می‌کنند از باب مسئولیت مدنی مورد مؤاخذه و بازخواست قرار دهد.

قواعد دیگر مرتبط با محیط زیست

از جمله قواعد دیگری که می‌توان در این مبحث مورد استناد قرار داد، قواعد ذیل می‌باشد: قاعده مصلحت نظام، (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۵۸)، قاعده اهم و مهم، (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۳۹-۴۳۷)، قاعده برتری منافع جامعه بر منفعت فردی.

مصادیق زیست‌محیطی از دیدگاه فقه

آب

آب از هر نوع که باشد «خواه شور و خواه شیرین» نقش بسیار مهمی در زندگی و حیات انسان‌ها و سایر موجودات دارد و محل زیست مطلوب و بسیار عالی و مهم برای موجودات زنده می‌باشد به‌طوری که آبی که در دریاهاست محل تولید بیش از ۳۰ درصد مواد پروتئینی حیوانی نیمی از ساکنان کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. (حسینی شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹)

منع آلودگی آب (از منظر قرآن، روایات و متون فقهی)

واجب است از آلودگی آب‌ها به همه اقسام آن جلوگیری کنیم و آلوده کردن آب‌ها خصوصاً دریاها و رودها حرام است. حال این آلودگی، با هر نوع آلاینده‌ای که باشد (مانند نفت، موادّ شیمیایی، موادّ رادیواکتیو و...)، خواه به صورت عمدی باشد یا غیر عمدی اما با مقدّمه عمدی، چرا که مقدّمه حرام، حرام است. همین‌طور که اگر نفت‌کشی از نظر فتی در معرض انفجار باشد، عامل این پیشامد ضامن جبران زیان است، خواه فرد باشد یا شرکت و یا دولت.

دانستن این امر لازم است که چنین بی‌توجهی به محیط زیست، به‌ویژه نسبت به دریاها، کفران نعمت خداوند است و کیفری سخت برای آن در نظر گرفته شده است. خداوند می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». (ابراهیم، ۷)

در قرآن کریم و سنت نبوی آیات و روایات فراوانی وجود دارد که وجوب پرهیز از آلوده کردن محیط اطراف از آن‌ها استفاده می‌شود. خداوند (عزّوجلّ) می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (فرقان، ۴۷)، «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ». (بقره، ۶۰)

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «شخصی از امام علی بن الحسین (ع) پرسید: غریبان (که به شهری وارد می‌شوند و جایی نداشته باشند) کجا قضای حاجت کنند؟ امام (ع) فرمودند: از قضای حاجت بر کناره آبراه‌ها، گذرگاه‌های عمومی و پرفت‌وآمد، زیر درختان میوه و در جاهایی که نفرین و لعنت‌انگیز است، خودداری کنند. پرسیده شد: جای لعنت‌خیز کجاست؟ امام صادق (ع) فرمودند: بر درب سراها. (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۳)

این نکته آشکار و روشن است که دفع فضولات انسانی بر کناره رودخانه‌ها و جویبارها در نهایت، آلودگی آب را به همراه دارد.

امام صادق (ع) از پدرانش نقل کرده است: پیامبر اکرم (ص) از قضای حاجت بر کنار نهر آب یا جویی که مردم برای آشامیدن از آن رفع نیاز می‌کنند و نیز زیر درخت میوه که میوه دارد، منع فرمودند. (طوسی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۵۳)

در روایتی آمده است که امیرالمؤمنین (ع) از ادرار کردن در آب روان جز در موارد ضرورت نهی کردند و فرمودند: «به‌یقین آب را ساکنانی است». (همان، ۳۴)

در روایتی دیگر نقل شده است: ادرار کردن در آب ایستاده و راکد، موجب فراموشی خواهد شد. (صدوق، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۲)

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که ایشان از ادرار کردن در آب راکد نهی فرمودند، چرا که مایه زوال عقل است. (همان، ص ۲)

از امام باقر (ع) نقل شده است: «هر کس بر قبری قضاء حاجت کند یا ایستاده ادرار کند یا ایستاده

در آب ادرار کند... دستخوش شیطان شده و جز به درخواست خداوند از آن رهایی نخواهد یافت...». (کلینی، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۵۳۳)

در روایت آمده که پیامبر اکرم (ص) ادرار کردن در آب روان را مکروه دانسته است. (صدوق، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۳۵۷) و از ادرار کردن در آب راکد نیز باز داشته است. (همان) شاید علت منع رسول خدا (ص) از ادرار کردن در آب راکد این که اگر کم باشد، در نتیجه نجس و آلوده می شود و بسا که شخص ناآگاهی از آن آب برای وضو، غسل و یا آشامیدن استفاده کند. (حسینی شیرازی، ص ۱۱۲)

از جمله مواردی که اهتمام شارع را در موضوع آلودگی آب و عوارض ناشی از آن می توان فهمید، مراعات حداقل فاصله میان چاه فاضلات و چاه آب مصرفی است که عدم جریان آب آلوده به آب مصرفی رعایت شده است. مرحوم شهید اول در کتاب لمعه می فرماید: «یستحب التبعاد بین البئر و البالوعة و ألا یکن فسبغ». مستحب است که بین چاه آب مصرفی و چاه فاضلاب در زمین های سفت و سخت پنج ذراع فاصله شود یا اینکه چاه فاضلاب از چاه آب مصرفی پایین تر باشد و اگر اینگونه نباشد هفت ذراع فاصله شود. شهید ثانی نیز بعد از تشریح و توضیح کلام ایشان، مطالب ایشان را پذیرفته و تکمیل می نماید. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷)

راوی از امام صادق (ع) درباره فاصله میان دو چاه پرسید، امام (ع) فرمودند: «چنانچه زمین، سست و نفوذپذیر است، هفت ذراع و اگر سخت و نفوذناپذیر باشد پنج ذراع فاصله قرار دهید». (کلینی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۸)

برخی روایات نیز فاصله میان چاه آب و فاضلاب را ۱۰ ذراع مقرر داشته است. از «علاء» نقل است که گفت: از امام صادق (ع) پرسیدم: چاه آبی در کنار چاه فاضلاب قرار داد و مردم از آب آن چاه وضو می سازند؛ (حکم آن چیست؟) امام (ع) فرمودند: اگر چاهی که از آن آب می آشامند بعد از زمین های پست قرار داشته باشد و با چاه فاضلاب ۱۰ ذراع فاصله داشته باشد، استفاده از آن بلامانع است». (مجلسی، ۱۴۱۷، ج ۷۷، ص ۳۱)

روایات فراوانی درباره زدودن آلودگی چاه آب مصرفی به تناسب ماهیت آلاینده ها وجود دارد. مرحوم شهید اول (۷۸۶-۷۳۴) در کتاب لمعة الدمشقیة در بحث طهارت در مورد چگونگی پاک و طاهر کردن آب چاه چنین آورده است:

پاک شدن آب چاه در صورتی که در آن شتر، گاو، نر، شراب، مُسکر (مست کننده)، خون حَدَث و فُقاق بیفتد به این طریق است که همه آب چاه کشیده شود. و در مورد افتادن اسب، الاغ و گاو ماده باید به اندازه یک کُر از آب چاه کشیده شود. و برای انسان هفتاد دلو معمولی، و برای خون زیاد و مدفوع مرطوب، پنجاه دلو معمولی، و برای روباه و خرگوش و گوسفند و خوک و سگ و

گربه و بول مرد، چهل دلو معمولی، و برای آب باران مخلوط با ادرار و مدفوع و نجاست سگ، سی دلو معمولی، و برای مدفوع خشک و خونِ اندک، ۱۰ دلو معمولی، و برای پرند و موش بادکرده و بولِ کودک و غسل کردن جُنُب و زنده‌بیرون آمدن سگ، هفت دلو معمولی، و برای مدفوع مرغ خانگی، پنج دلو معمولی، و برای موش (بادنکرده) و مار و وزغه (مارمولک)، سه دلو معمولی و برای گنجشک، یک دلو معمولی باید از آب چاه کشیده شود. و در صورتی که آب چاه بسیار زیاد باشد و لازم باشد همه آن کشیده شود، باید چهار نفر دوبه‌دو متناوباً یک روز کامل آب بکشند. و اگر آب چاه با افتادن چیزهای مذکور تغییر کند، باید بین اندازه‌های تعیین شده و زوال تغییر جمع شود (هر دو صورت گیرد). (شهیدثانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۴)

بنا بر برخی روایات نیز گاهی باید تمام آب چاه و زمانی از حدود دویست دلو گرفته تا حدود ۱۰ دلو، از آب چاه را تخلیه کرد تا با جایگزینی آب تازه، آلودگی و نجاست از بین برود. در روایت آمده است: آبی که میت را با آن غسل می‌دهند باید به چاه فاضلاب یا گودالی روانه شود. این بدان معناست که پساب غسل مرده نباید به جویبار، چشمه یا رودخانه هدایت شود. همچنین در روایاتی از شست‌وشوی تن در گودال یا چیزی مانند آن که به منبع آب، نزدیک بوده و در نهایت، پساب به آب پاک برمی‌گردد، منع شده است. دو روایت در این باره نقل می‌شود تا مقدار توجه و عنایت شارع و امامان معصوم (ع) به محیط زیست آشکار شود:

از امام صادق (ع) پرسیدند: شخصی در راهی به آبی کم که در زمین پست قرار دارد، برمی‌خورد و می‌خواهد غسل کند، اما ظرفی که با آن آب بردارد و غسل کند همراه ندارد، و اگر (همانجا) غسل کند، پساب غسل او به برکه آب باز می‌گردد. حال چه باید بکند؟ امام (ع) فرمودند: مشتی آب روبه‌رو، مشتی بر سمت راست و مشتی بر سمت چپ خود بیفشاند، سپس غسل کند. (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۱۷) و در نتیجه، بدین سبب آب آلوده به برکه برنمی‌گردد و آلوده نمی‌شود. در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: آب (پاکیزه و سالم) مردم را فاسد (آلوده) مکن. (کلینی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۶۵)

با توجه به این روایت معلوم می‌شود که اسلام هیچ عذری را برای آلوده کردن آب نمی‌پذیرد حتی اگر در جهت مقابله با دشمن باشد.

قابل ذکر است که امروزه بر اثر آلوده کردن دریاها و اقیانوس‌ها سالیانه میلیون‌ها تن ماهی از بین می‌روند و محیط زیست انسان‌ها دچار آسیب‌دیدگی می‌شود. برخی از دولت‌ها با دفع غیراصولی زباله‌های سمی و اتمی، موجب آسیب مردم سایر کشورها می‌گردند که نتایجی مثل جنون، ناباروری، فلج، کوری و کری و خفگی انسان‌ها را به دنبال دارد. (حسینی شیرازی، ص ۱۱۳)

هوا و سلامت محیط زیست

تعریف و اهمیت هوا

هوا ترکیبی از انواع گازها از جمله بخار آب^۱ است که فضا را پر می‌کند و همچنین مهم‌ترین عنصر و منبع حیاتی طبیعت که تمام موجودات زنده، از آن سود می‌جویند، هواست. مقصود از هوا جوّ زمین (خالدی، ۱۳۷۸، ص ۳۳) یا مخلوطی از ترکیبات انواع گازها است که کره زمین را احاطه کرده است. (دبیری، مینو، ص ۳۴)

با توجه به آنچه تاکنون دانشمندان راجع به هوا کشف کرده‌اند، از صد عنصر تشکیل شده است، اما اصلی‌ترین مواد تشکیل دهنده آن، «نیتروژن» و «اکسیژن» است. (همان، ص ۷۴) که با تناسب ثابت در طبیعت یافت می‌شوند. و اگر نسبت هر یک از این دو گاز تغییر کند، توازن چرخه حیات دچار اختلال و نشانه‌های حیات نابسامان شده و حتی ممکن است که زندگی و ساکنان کره خاک از بین بروند.

«هوا»، انسان، گیاه و حیوان را در برابر خطرات زیان‌بار تابش اشعه‌های مختلف خورشید حفظ می‌کند. (تقی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۷۵)

اگر به نقش اساسی و حیاتی هوا، که زمین را احاطه کرده است، بیندیشیم، نقش و اهمیت آن را در فراهم‌سازی فضای سالم برای زندگی و تنفس انسان‌ها و سایر موجودات کره زمین در خواهیم یافت.

آلودگی هوا

برای نهی از آلوده کردن محیط زیست می‌توان به آیات ذیل استدلال کرد: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف، ۵۶) و آیه شریفه: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ». (بقره، ۱۹۵)

وجه استناد: آلوده کردن هوای محیط زیست، افساد در زمین محسوب می‌گردد و همچنین آلوده کردن هوای محل زندگی چون ماده حیاتی است، اقدام به هلاکت نفس تلقی می‌گردد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «تهی رسول الله (ص) أن یلقى السم فی بلاد المشرکین». (کلینی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۸)

وجه استدلال: وقتی ریختن سم که اعم از سموم در خاک یا در آب است در سرزمین مشرکان نهی و ممنوع شده است پس به طریق اولی در سرزمین‌های مسلمانان چنین عملی ممنوع و حرام خواهد بود که البته احکام وضعی نیز به آن استوار خواهد بود مثل ابطال معاملاتی که نتیجه آن آلوده کردن هوای زندگی انسان‌ها باشد. بنابراین باید از هر گونه آلوده کردن که منجر به از بین

۱. هوا به عنوان عنصر اساسی حیات شناخته شده و یکی از عوامل پدیدآمدن آب و عامل انتقال نور ... است.

بردن سلامت هوا و محیط زیست می شود خودداری کرد.

همچنین همانگونه که آلوده کردن و بدبو کردن فضای مکان های عمومی و مسجد به وسیله دهان آلوده به بوی نامطبوع سیر، پیاز، تره و... - که شامه افراد و نمازگزاران را می آزارد - کراهت شرعی دارد و از آن نهی شده است، همچنین آلوده کردن فضای شهر به وسیله بوهای آزاردهنده و آزدن شامه ساکنان آن، به طریق اولی کراهت شرعی دارد.

کسی از امام جعفر صادق (ع) درباره خوردن سیر پرسید، حضرت پاسخ دادند: رسول خدا (ص) به جهت بوی بدش نهی فرمودند، سپس فرمودند: هر کس سیر بخورد به مسجد وارد نشود. (کلینی، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۷۴)

در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی (ع) به مردم سفارش کرد: هر کس چیزی بخورد که بوی بدش مردم را اذیت کند به مسجد نیاید. (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۹۲)

از ظاهر احادیث چنین برمی آید که مسجد از باب مصداق است و این حکم شامل تمام اجتماعات نیز می شود. «عَنِ الصَّادِقِ (ع): أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ أَكْلِ الثَّوْمِ وَ الْبَصْلِ وَ الْكَرَاثِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ نِيًّا وَ فِي الْقُدُورِ وَ لَا بَأْسَ بَأْنِ يَتَدَاوَى بِالثَّوْمِ وَ لَكِنْ إِذَا أَكَلَ ذَلِكَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَخْرُجْ إِلَى الْمَسْجِدِ». (همان، ص ۳۷۵)

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنْصَارِي قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ أَكْلِ الْكَرَاثِ فَلَمْ يَنْتَهُوْا وَ لَمْ يَجِدُوا مِنْ ذَلِكَ بُدًّا، وَ وَجَدَ رِيحَهَا قَالَ: أَلَمْ أَنْهَكُمُ عَنْ أَكْلِ هَذِهِ الْبَقْلَةِ الْخَبِيثَةِ، مَنْ أَكَلَهَا فَلَا يَغْشَا فِي مَسْجِدِنَا، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَّى بِمَا يَتَأَذَّى مِنْهُ الْإِنْسَانُ.»^۱ (محمد بن علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۱)

«وَعَنْهُ (ص) قَالَ مَنْ أَكَلَ الْبَصْلَ أَوْ الثَّوْمَ أَوْ الْكَرَاثَ فَلَا يَقْرُبْنَا وَ لَا يَقْرُبُ مَسْجِدَنَا.»^۲ (نوری طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۳، ب ۱۷، ج ۳۸۲۸)

«وَعَنْهُ (ص) مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبَقْلَةَ الْمُنْتَنَةَ فَلَا يَغْشَا فِي مَجَالِسِنَا وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَأَذَّى بِهِ الْمُسْلِمُ.»^۳ (کلینی، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۵، ج ۳)

از همینجا اهتمام فقهای اسلام در حمایت از محیط زیست از کوچک ترین آلودگی حتی خوردن چیزهایی که تولید بوهای نامطبوع در دهان می کند، فهمیده می شود، زیرا زمانی که بر خوردن پیاز و سیر و... دوری جستن از مسجد و مجالس مطرح می شود تا اینکه برادران مؤمن و افراد

۱. از جابر بن عبدالله انصاری نقل است که: پیامبر اکرم (ص) از خوردن تره نهی فرمودند ولی مردم پرهیز نکردند و ناچاراً مجبور بودند آن را بخورند. پیامبر (ص) بوی سیر را از دهانشان فهمید و به آن ها فرمود: مگر شما را از خوردن آن نهی نکردم؟ هر کس آن را بخورد در مسجد ما وارد نشود. همانا ملائکه اذیت می شوند از آنچه انسان ها از آن اذیت می شوند.

۲. و از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که می فرمایند: هر کس سیر و پیاز و تره بخورد نزدیک ما نشود و نزدیک مسجد ما نشود.

۳. و از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: هر کس این سبزی بودار را بخورد همراه ما در مجلس های ما نشود و همانا ملائکه از آنچه مسلمان اذیت می شود، اذیت می شوند.

دیگر از این بوی نامطبوع آن‌ها اذیت نشوند، پس به طریق اولی آلوده کردن محیط زیست با بوهای نامطبوع و مشمئزکننده در جو شهرها و اذیت کردن ساکنین آن‌ها عمل زشت و مکروه و گاهی حرام می‌باشد. (حسینی شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۶۵)

تعریف آلودگی صوتی

یکی از مهم‌ترین موهبت‌های خداوند به انسان و بهترین وسیله ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، صدا است. وقتی صدا به صورت عادی و دلنواز باشد مطلوب خواهد بود ولی آلودگی صوتی، با ترازهای نامطلوب، مسئله بسیار مهم جوامع بشری است.

آلودگی صوتی^۱ یا آلودگی ناشی از سروصدا عبارت است از: مجموعه‌ای از صداها ناموزون، و به عبارت دیگر هر چیزی که احساس شنوایی ناخوشایند یا ناراحت‌کننده ایجاد کند و به‌طور کلی هر چه آدمی مایل به شنیدن آن نیست - حتی اگر نوای موسیقی باشد - آلودگی صوتی نامیده می‌شود. (تقی‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۷۷)

آلودگی صوتی از نظر دانشمندان، تغییر پیاپی در شکل حرکتی فرکانس‌های صوتی است که از حجم طبیعی و مجاز صدا برای شنیدن و رساندن آن به دستگاه عصبی فراتر می‌باشد. به گفته آنان صدای انسان با حدود دوهزار فرکانس در ثانیه به گوش می‌رسد.^۲ اما ادوات موسیقی صدایی معادل هشت‌هزار فرکانس در ثانیه تولید می‌کنند. (حسینی شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴)

یکی از انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی فراگیر و بسیار تأثیرگذار که سلامت و بقای موجودات زنده را تهدید می‌کند و به مخاطره می‌افکند، آلودگی صوتی است که باید سعی کنیم تا در محیط زندگی آن را کاهش دهیم و جهت حذف آن اقدام جدی اتخاذ نماییم.

شریعت اسلام، پایین آوردن صدا را مستحب می‌داند و آیات و روایات زیادی در این باب وارد شده است. لقمان حکیم به فرزندش توصیه می‌کند: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مَنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ». (لقمان، ۱۹)

پیامبر اسلام (ص) خطاب به ابوذر می‌فرماید: «يا اباذر! اخْفِضْ صَوْتَكَ عِنْدَ الْجَنَائِزِ وَ عِنْدَ الْقِتَالِ وَ عِنْدَ الْقُرْآنِ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۸۴) ای ابوذر! هنگام حضور بر جنازه و به هنگام جنگ و به هنگام خواندن قرآن، صدای خویش را پایین بیاور.

از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده است که چون پیامبر اکرم (ص) به سوی میدان جنگ می‌رفت

۱. آلودگی صوتی در محیط شهری به این صورت تعریف می‌شود: صدایی ناخواسته با مدت زمان، شدت یا کیفیتی که به انسان آسیب جسمی و روحی وارد می‌کند.

۲. واحد اندازه‌گیری شدت صوت، دسی‌بل (db) است. حد مجاز آلودگی صوتی در روز ۷۰ دسی‌بل و در شب ۵۰ دسی‌بل است. در محیطی که شدت آلودگی صوتی بیشتر از ۹۰ دسی‌بل باشد باید با محافظ گوش وارد شویم و اگر شدت آلودگی صوتی بیش از ۹۵ دسی‌بل و به مدت ۸ ساعت در روز باشد پس از مدتی موجب ناشنوایی صنعتی خواهد گردید. (هاشمیان، سیدهادی، آلودگی هوا).

مردم را فرمان می‌داد تا صدای خود را پایین آورند و دعا کنند.

ابن عباس در روایتی امیر مؤمنان (ع) را چنین توصیف کرده است: «و يَقُولُ لَهُمْ: مَعَاشِرَ النَّاسِ اسْتَشْعِرُوا الْخَشْيَةَ، وَ امَيُّتُوا الْأَصْوَاتَ، وَ تَجَلَّبُوا بِالسَّكِينَةِ». (دشتی، ۱۳۸۴، ص ۱۸)

در روایتی دیگر آمده است که امیر مؤمنان (ع) در هنگام رفتن به جنگ به یاران خود فرمود: «وَعَضُوا عَلَى الْأُضْرَاسِ، فَإِنَّهُ أَنْبَأُ لِلْسَّيُوفِ مِنَ الْهَامِّ وَ أَرْبَطَ لِلْجَاشِ وَ أَزَكَّى لِلْقُلُوبِ، وَ امَيُّتُوا الْأَصْوَاتَ، فَإِنَّهُ أَطْرَادَ لِلْفُشَلِّ وَ أَوْلَى لِلْوَقَارِ».

قرآن کریم، تأثیر فوق العاده صداهاى ناهنجار را بر انسان بیان کرده، به این بیان که گاهی صوت باعث هلاکت می‌شود: «وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ». (هود، ۶۷)

همچنین خدای متعال، کسانی را که به فرمان او تن نمی‌دهند، به بانگی مرگبار که در آینده خواهد رسید، تهدید کرده، می‌فرماید: «يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ». (بقره، ۱۹)

با تأملی در آیات فوق و اینکه خداوند با بانگ مرگبار، کافران را کیفر و عذاب می‌دهد یا اینکه بانگ گوش‌خراش را تشبیه به بانگ خران (لقمان، ۱۹) کرده است، بر تأثیر فوق العاده آلودگی صوتی بر تن و روان پی می‌بریم و اینکه وقتی صدا به صورت بانگ ناهنجار و گوش‌خراش باشد، عامل سلب آسایش دیگران تلقی می‌شود.

بوق زدن، گاز زیادی وسائل نقلیه، نوارهای موسیقی داخل ماشین‌ها، درب ماشین را محکم به هم زدن به‌ویژه در آخر شب و در کوچه‌ها که مایه آزار همسایه‌ها است و درب منزل را محکم بستن نیز عامل آلودگی صوتی است. همچنین مجالس عروسی و... حتی قرآن خواندن‌های بلند و... عامل آلودگی صوتی می‌باشد.

فقه و سلامت خاک

تعریف خاک

خاک لایه بسیار نازکی از کره زمین را تشکیل می‌دهد و بر اثر عوامل آب‌وهوایی و نیز فعالیت موجودات زنده به وجود می‌آید و وجود و تغذیه موجودات زنده به آن وابسته است. (دبیری، ۱۳۸۵، ص ۳۴۱)

اندکی بیش از «یک‌چهارم» سطح زمین را خشکی تشکیل می‌دهد و کمتر از «یک‌سوم» خشکی‌های روی زمین برای دام‌ها، محصولات و زندگی انسان مفید می‌باشد. بقیه سطح خشکی‌ها را نواحی سرد قطبی، کویرهای خشک و سوزان و کوهستان‌های سنگی تشکیل می‌دهند. (روشنی، ۱۳۸۱، ص ۵۹)

اهمیت زمین و خاک

در اهمیت خاک همین بس که اصل ایجاد و آفرینش و خلقت انسان از خاک (مؤمنون، ۱۲) می‌باشد. و آیات فراوانی در قرآن کریم به اهمیت و ارزش حیاتی آن اشاره دارد. چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید: «...هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَ كُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ». (هود، ۶۱)

خداوند انسان را آفرید و ایشان را مخاطب خویش قرار داد تا با کمک عقل خویش و با استفاده از مواد خام طبیعت، زمین را آباد گردانند. چنان‌که در آیه شریفه، با جمله «وَاسْتَعْمَرَ كُمْ فِيهَا» که باب استفعال است و در اینجا برای «تحقیق» است، آمده و انسان را مورد خطاب خویش قرار داده است، یعنی «از شما خواست تا زمین را آباد کنید».

بی‌شک همانگونه که افراد مؤمن و باایمان توفیق آبادانی مراکز مذهبی را دارند، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»، (هود، ۱۸) همچنین آبادانی زمین را انسان‌های با ایمان دارند. حاکمان بی‌ایمان و سردمداران مستکبر، جامعه را به فساد می‌کشانند، همان‌گونه که در شرق و غرب جهان، بشریت به نابودی حرث و نسل و کشتار و تجاوز، آلودگی و ناامنی محیط زیست مبتلاست، نه تنها انسان بلکه موجودات زنده دریایی و صحرایی نیز از فساد آنان در امان نمانده است. (نمل، ۳۴)

باید توجه داشته باشیم همانگونه که در برابر عامران و آبادکنندگان مساجد و مکان‌های مذهبی عده‌ای درصدد تخریب و مانع عمارت هستند، در مورد آبادگران زمین، همین‌گونه است و عده‌ای درصدد تخریب محیط زیست و فساد بر روی زمین هستند و این در حالی است که خداوند ما را به بهره‌گیری از زمین و منابع طبیعی با عباراتی همچون «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه، ۱۴) و یا «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا» و غیره فرا خوانده و می‌فرماید: روی دوش زمین راه بروید و روزی بگیرید. لازمه این فرمان، تلاش برای استخراج معادن، کشاورزی و... و بهره‌گیری هر چه بهتر از مواد خام طبیعت است. (جوادی آملی، ص ۲۸)

خداوند متعال زمین را به‌عنوان فرشی گسترده برای انسان‌ها قرار داده است. (بقره، ۶۱) و از طرف دیگر او را در برابر زمین و نعمت‌هایی که به او داده، مسئول شمرده است. بنابراین بر انسان لازم است تا در حفظ سلامت آن و جلوگیری از آلودگی آن اهتمام کافی را مبذول دارد. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالتَّهَائِمِ». (دستی، ص ۲۴۲)

با توجه به آیات و روایات و سفارش‌های معصومین در مورد حفظ و شکر نعمت‌های الهی و محیط طبیعت و مسئولیت انسان در برابر این همه نعمت که خداوند به او ارزانی داشته است، باید در

حفظ محیط زیست و آبادانی آن و بهره‌برداری روشمند و هدفمند از زمین و نعمت‌های طبیعی آن، گام برداریم و زمین یا خاکی که گستره زمین را پوشانده است را در معرض آلودگی قرار ندهیم. زمین محسوس‌ترین عنصر طبیعت است و موجودات زنده در تمام مراحل زندگی خود، وابسته به زمین می‌باشند، از لانه و خانه گرفته، تا غذا و سایر مایحتاج زندگی؛ و حتی بعد از مرگ هم به زمین باز گردانده می‌شوند.

اهمیت دیگر زمین را می‌توان وجود کوه‌هایی که در روی زمین همسان میخ‌های زمین می‌باشد، دانست. (نبا، ۷) علاوه بر اینکه وجود جنگل‌های مطبوع و سرسبز که در دامنه کوه‌ها قرار گرفته است علاوه بر زیبایی و طراوتی که به ساکنان زمین می‌دهد نقش فراوانی در تهویه هوا نیز دارد و گرمی آن برای زمین همانند کبد در بدن زمین عمل می‌کند و پوشش‌های جنگلی و گیاهی‌اش همانند ریه‌های زمین می‌باشد.

بنابراین، طبیعت و یکایک پدیده‌های سالم و متناسب با شرایط حیاتی انسان در اختیار اوست و به‌عنوان آیه‌ها و نشانه‌های آفرینش خدا باید مورد احترام و ارج‌گذاری انسان قرار گیرد و هرگونه آلوده‌سازی، نابودی و بهره‌برداری مسرفانه و غیربهبینه، برخلاف آفرینش و مخالف امانت‌داری و رعایت حقوق آیندگان در بهره‌برداری برابر از آن‌هاست. (حکیمی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۱۷)

تأمین سلامت و منع آلودگی خاک: (از منظر قرآن، روایات، متون فقهی و...)

انسان در برابر طبیعت و محیط زیست، مسئولیتی بزرگ دارد که از سوی پیشوایان معصوم (ع) بر دوش آنان نهاده شده است. در کلام نورانی امیرالمؤمنین (ع) این مسئولیت حس می‌گردد، آنجا که فرموده است: «به‌یقین شما حتی در مورد سرزمین‌ها و جانوران مورد بازخواست قرار خواهید گرفت». (دشتی، ص ۱۶۷)

«سرزمین»‌هایی که در روایت بدان اشاره شده، مناطق دوردست را نیز شامل می‌شود. پس انسان در مورد زمین، آبادانی آن و پاکیزه نگه‌داشتن آن مسئولیت دارد.

روزی هم این زمین و اعماق آن به فرمان خداوند زبان گشوده، آنچه از سوی ساکنان آن، بر آن رفته است بر زبان خواهد آورد. چنان‌که در سوره مبارکه زلزال به آن اشاره شده است. (زلزال، ۵-۱)

خداوند تبارک و تعالی زمین را پاک و پاک‌کننده آفرید و پیامبر اکرم (ص) درباره آن فرمود: زمین برای من مسجد (محل عبادت)، و پاک قرار داده شده است. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۰) همچنین زمین، نجاست کف کفش و پاها را با شروطی که در منابع فقهی آمده پاک می‌کند، و در حدیث نیز آمده است که: «پاره‌ای از زمین بخش دیگر خود را پاک می‌کند». (کلینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۸)

خاک که بخشی از زمین است نیز همین اثر را دارد. زیرا برای پاک و طاهر کردن ظرف‌هایی که سگ یا خوک در آن چیزی خورده یا زبان زده‌اند، به کار می‌رود. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱، ص ۱۱۷)

خداوند در قرآن در موارد زیادی دستور داده که در روی زمین فساد نکنید و نسبت به فساد در روی زمین هشدار داده است. فساد نیز معانی و مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و هر گونه نابه‌سامانی، ویرانگری، تخریب، انحراف و ظلم را در بر می‌گیرد. (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۱۱) و به تعبیر دیگر، هر آنچه که نظم آراسته و صلح جاری در زمین را بر هم زند، فساد گویند. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۱۶۴)

در آیات بسیاری از قرآن، کلمه «فساد» همراه با «فی الارض» ذکر شده که نشان‌دهنده توجه قرآن به جنبه‌های اجتماعی مسئله است. مثلاً در سوره بقره درباره کسانی که سعی بر فساد در زمین دارند، به ابعاد از فسادگری آن‌ها اشاره شده است:

«سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»^۱ (بقره، ۲۵)

آیات دیگری در قرآن کریم نیز وجود دارد که ما را به پرهیز از فساد در زمین راهنمایی می‌کند مثل آیات شریفه:

«وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»^۲ (عنکبوت، ۳۶)

«وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»^۳ (قصص، ۷۷)

چنان‌که در آیات شریفه ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که «فساد» در اینجا ابعاد مختلف را شامل می‌شود و به جنبه‌های مختلفی اشاره دارد، از جمله آنچه نظام آراسته و منظم و صالح جاری در عرصه محیط زیست را بر هم می‌زند را هم شامل می‌شود. همچنین اقدامات فسادانگیز چه از جانب حکومت، ادارات، سازمان‌ها و چه از جانب افراد باشد با مشیت الهی در تضاد است و اسلام به مبارزه با فساد برخاسته و بدیهی است فساد در عرصه محیط زیست نیز متضاد با اصول ارزشی اسلام است و نهی خداوند نیز شامل آن‌ها می‌شود. بنابراین به ایجاد هر نوع آلودگی و تباهی در روی زمین و از جمله تخریب و آلوده کردن خاک، فساد گفته می‌شود.

۱. سعی می‌کند تا در زمین فساد کند و حاصل خلق (کشت و زراعت) و نسل (دام یا نژاد) را به باد فنا داده و نابود سازد و خداوند مفسدان و تباهکاران را دوست ندارد.

۲. در زمین به فساد و تباهی نپردازید.

۳. در زمین هرگز فساد نکنید که خداوند مفسدین را دوست ندارد.

نتیجه

اسلام به سلامت و بهداشت فرد و اجتماع و محیط، بسیار سفارش کرده و از نشانه‌های اهتمام اسلام به بهداشت و سلامت، مشاهده مسائل زیست‌محیطی در بسیاری از ابواب فقه، می‌باشد مانند باب طهارت (غسل، وضو، تیمم، احکام آب‌ها و...)، صلاة (پاکیزگی بدن و لباس و مکان نمازگزار از نجاست و...)، حج (طهارت لباس احرام و...)، و باید توجه داشته باشیم که وقتی صحبت از سلامت و بهداشت می‌شود صرف بهداشت جسمی و ظاهری تنها نیست بلکه معنای عامی است که سلامت جسمی و روحی و روانی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود. «قوانین الهی» وظایف انسان‌ها را نسبت به نظم طبیعی و محیط زیست معین کرده است. برای بررسی و بیان حکم فقهی در رابطه با سلامت و آلوده‌نکردن محیط زیست می‌توان از اصول و قواعد عمومی فقه که در تعامل با محیط زیست مطرح گردیده (چگونگی بهره‌برداری از قواعد فقهی در مسائل مستحدثه‌ای چون «محیط زیست» روشن گشته است)، استفاده نمود مانند قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب که محیط زیست مصادیقی از مصادیق هر یک از این قواعد فقهی می‌باشد. در خلال مباحث اشاره شد که نابودکردن طبیعت به هر نوع، و آلوده‌ساختن محیط زیست حرام است و شارع مقدس از آن نهی کرده است. و به‌طور کلی می‌توان گفت اهتمام شارع به حفظ و سلامت محیط زیست و حرمت تخریب آن به هر شکل ممکن است، و هر کاری که موجب تخریب و یا ضرررساندن به محیط زیست در هر مصادیق از مصادیق آن از جمله آلودگی آب، هوا و زمین باشد بنا بر آیات قرآن کریم و سخنان ائمه معصومین (ع) حرام شرعی بوده و جایز نیست.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آبروش، حسین، دیدگاه اسلام در خصوص حقوق بین الملل محیط زیست، تابستان ۱۳۸۱.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم، ۱۰۰۲، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۴. ابن اثیر، مجدالدین ابی السعادات المبارک بن محمد الجزری، النهایه فی غریب الحدیث والاثر، تحقیق طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناحی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۵. ابن حنبل، محمد بن محمد، مسند ابن حنبل، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۹۸ م.
۶. ابن درید، محمد بن حسن، جمهزة اللغة، ج ۳، ص ۳، ص ۱۵۷، دارالمعارف العثمانیه، حیدرآباد هند.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳.
۸. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، قاهره، جمعیه المکنز الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۹. ابن منظور افریقی، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۲۲، دارصادر، بیروت.
۱۰. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، چاپ اول، چاپخانه سیدالشهداء(ع)، قم، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد، قاعده لا ضرر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۰.
۱۲. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. انیس، ابراهیم و منتصر، عبدالحلیم و عطیه، الصوالحی و خلف احمد، محمد، فرهنگ المعجم الوسیط، مترجم: محمد بندر ریگی، ج ۲، ص ۱۵۰۴، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۴. ایروانی، حاشیه المکاسب، تهران، کیا، ۱۳۸۴.
۱۵. بختیاری اصل، فریبرز، حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
۱۶. تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق کیفری محیط زیست، ۱۳۷۶.
۱۷. تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق محیط زیست ایران، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۶.
۱۸. تیبتوتی.اچ.وای، اصول کنترل کیفیت آب، ترجمه دانشور، نظام الدین تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۳.
۱۹. جبعی عاملی، زین الدین، معروف به شهید ثانی، تمهید القواعد الاصولیه و العربیه لتفریع الاحکام الشرعیه، ایران (حجری).
۲۰. جزایری، نورالدین محمد بن نعمت الله، فروق اللغات، تصحیح جمعی از ادبا؛ گردآوری و تحریر

۲۱. علی اصغر اصفهانی سمیرمی، تهران.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، دارالعلم للملایین، بیروت.
۲۲. جوی ای، پامر، آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم، ترجمه محمد خورشید دوست، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۲.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البيت، چاپ دوم، قم.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ ق.
۲۵. حسینی شیرازی، محمد، اسلام و محیط زیست، ترجمه اسلامی اردکانی، حسین، قم، یاس زهرا، ۱۳۸۷.
۲۶. حسینی شیرازی، محمد، فقه البیئة، مؤسسه الوعي الاسلامی، بیروت، ۱۳۷۸ ش، ۱۴۲۱ ق.
۲۷. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیة، ج ۲، ص ۲۵۶، مکتب نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۲۸. حلّی، حسن بن یوسف، (علامه حلّی)، تذکرة الفقهاء، مکتبة الرضویة، تهران، بی تا.
۲۹. دبیری، مینو، آلودگی محیط زیست (هوا، آب، خاک، صوت)، تهران، اتحاد، ۱۳۷۹.
۳۰. دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، با نظارت: حکیمی، محمد، پدیده‌شناسی فقر و توسعه، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۳۱. وارد، باربارا و دیگران، تنها یک زمین، ترجمه محمود بهزاد، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲.
۳۲. دولت اسلامی و مسئولیت آن در حفاظت از محیط زیست.
۳۳. رزق، الشیخ خلیل، اسلام و البیئة، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۷ ق.
۳۴. روحانی، محمد، المرتقی الی الفقه الأرقی، دفتر آیت الله روحانی، قم.
۳۵. روشنی، علی، اکولوژی عمومی، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱.
۳۶. سبحانی، جعفر، تطور الفقه عند الشیعة، تراثنا، السنة الاولى، العدد الثانی، حریف، ۱۴۰۶ ق.
۳۷. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ ۱۴، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۸.
۳۸. شریعت پناهی، محمد، اصول کیفیت و تصفیه آب و فاضلاب، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۷.
۳۹. شریعت پناهی، محمد، مبانی بهداشت محیط، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ،

۱۳۷۳.

۴۰. شریعت‌زاده، ایمان، آلودگی محیط زیست، تهران، یاشار روزبه، ۱۳۸۲.
۴۱. صدر، محمدباقر، مقاله روند آینده اجتهاد، مجله فقه اهل بیت، سال اول، بهار ۱۳۷۴، شماره ۱.
۴۲. طباطبایی، محمدحسین، سنن النبى (ص)، ترجمه رحمت کاشانی، حامد، تهران، پیام عدالت، ۱۳۸۵.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن (امین الاسلام)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الإستبصار، دار الکتب الإسلامية، چاپ ۴، قم، ۱۳۶۳ ش.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن، امالی الطوسی، دارالثقاف، ۱۴۱۴ ق.
۴۸. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، تحقیق کلانتر، انتشارات داوری، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ ق.
۴۹. عاملی، محمد بن جمال الدین مکی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید.
۵۰. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، اللمعة الدمشقية، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۵۱. عسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، شهر ری، بیغش، ۱۳۸۱.
۵۳. عمیق، فضل الله و حسینی، محسن، اخلاق زیست محیطی در اسلام، تهران، مشعر، ۱۳۸۵.
۵۴. عمیق، محسن، طب النبى، قم، دارالمجتبی (ع)، ۱۴۲۷ ق.
۵۵. الغریبین، مطابق نقل موسوعه الفقه الاسلامی طبعاً لمذهب اهل البيت.
۵۶. الفقه المنسوب للامام الرضا (ع) و المشتهرب (فقه الرضا)، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لإحیا التراث مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا (ع)، ۱۴۰۶ ق.
۵۷. فیروزآبادی الهورینی، محمد بن یعقوب، قاموس اللغة، بی جا و بی تا.
۵۸. الفیومی، احمد، المصباح المنیر، چاپ اول، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۵ ق.
۵۹. فیتومی، محمد بن علی، المصباح المنیر، مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ ۳، قم، ۱۴۲۵ ق.
۶۰. قاسمی، ناصر، حقوق کیفری محیط زیست، تهران، جمال الحق، ۱۳۸۴.
۶۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و

- تتمیم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، تدوین جهانگیر منصور، تهران، دوران، ۱۳۸۸.
۶۲. قمی، محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ق.
۶۳. کریمی، داریوش و فریبا همتیان و لیلا صدفی نژاد، سازمان حفاظت محیط زیست، راهکارهای توسعه فرهنگ محیط زیست، تدوین و تصحیح تهران، کیان مهر، ۱۳۸۴.
۶۴. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، نشر صدوق، تهران.
۶۵. لواسانی، احمد، کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو، انتشارات وزارت امور خارجه تهران، ۱۳۷۲.
۶۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مؤسسة الوفا، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۶۷. محقق داماد، مصطفی، با همکاری انجمن دوستی ایران و یونان، طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام، (در مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس)، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی.
۶۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مرکز نشر مکتبه الاعلام الاسلامی.
۶۹. مسلمی زاده، رساله توضیح المسائل محشی امام خمینی (شش مرجع)، مؤسسه مطالعاتی منتظران موعود.
۷۰. مصدق، احمد، تخریب محیط زیست جهانی و آینده جهان، تهران، نشر علوم کشاورزی، ۱۳۸۲.
۷۱. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (اصول فقه و فقه)، قم، صدا، ۱۳۷۶-۱۳۷۱.
۷۲. مقالات مجموعه آثار (۷)، کنگره صدمین سال میلاد امام (ره).
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، دائرة المعارف فقه مقارن، بنیاد فقه اهل بیت (ع).
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهية، مدرسه امیرالمومنین (ع)، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰ق.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، تهران، نشر مرسا، ۱۳۷۶.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، دائرة المعارف قرآن کریم، بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۷۷. موسوی خمینی، روح الله، الرسائل، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۹.
۷۸. موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ ۴، قم، ۱۴۱۰ق.
۷۹. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مورخه ۱۳۶۷/۱۲/۳.
۸۰. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره)، تهران،

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۸۱. موسوی خمینی، روح‌الله، بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره)، ۱۳۷۸.
۸۲. موسی، محمدیوسف، المدخل لدراسة الفقه اسلامی، نشر دارالفکر العربی، طبعة الثالثة.
۸۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۶۵ق.
۸۴. نراقی، مهدی، عوائد الایام، نشر کنگره، ۱۳۷۸.
۸۵. نوحی، حمیدرضا، قواعد فقهی در آثار امام خمینی(ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴.
۸۶. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل‌البیت(ع)، الاحیاء التراث، ۱۳۶۰.
۸۷. نیگل‌هی، چگونه میلیون‌ها گرسنه را سیر کنیم، ترجمه عباس کریمی، نشر تهران.
۸۸. هاشم‌زهی، حجت، مصرف صحیح، ۳۲ الی ۱۶۸، نشر سنبله، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.
۸۹. هاشمیان، هادی، آلودگی (هوا، آب، خاک)، مشهد، سیمداد، ۱۳۸۰.
۹۰. همت بناری، علی، نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، مرکز انتشارات، ۱۳۸۳.
۹۱. یخکشی، علی، شناخت، حفاظت و بهسازی محیط زیست ایران، تهران، مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی.